

دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۷، شماره ۲۶، خرداد و تیر ۱۳۹۸

تحلیل آیین نمایشی اسب چوبی و بررسی منشأ آن

* سید محسن سجادی^۱

(دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۸ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۸)

چکیده

عروسوی و آیین‌های آن همواره به عنوان یک مسئله مورد توجه اهالی این سرزمین و انسان‌ها بوده است. اسب چوبی یکی از نمایش‌های آیینی باستانی است که در بعضی نقاط فلات مرکزی و به خصوص در خراسان در هنگام مراسم عروسی و جشن اجرا می‌شده است؛ اما سبزوار از مراکز اصلی اجرای آن است. این آیین جنبه نمادین داشته است. در این پژوهش جنبه‌های مختلفی از این آیین مورد بررسی قرار می‌گیرد. اهمیت آیین عروسی و حضور اسب در این آیین چیست؟ در این تحقیق که به روش تحلیلی - توصیفی است ابتدا به آداب و شیوه برگزاری این آیین، روش ساخت این عروسک و اجزای آن پرداخته و سپس وجه نمایشی این آیین و حضور اسب در آیین‌ها و اسطوره‌ها و ادبیات و منشأ آیین عروسی در اسطوره‌ها بررسی می‌شود. در بخش دیگر این پژوهش، پیشینه و منشأ آن واکاوی می‌شود. ثابت این آیین و اینکه این مراسم کم کم به فراموشی سپرده شده و از بین رفته است، ضرورت انجام این پژوهش را می‌رساند. این مراسم اکنون در منطقه خراسان و روستای حسین‌آباد آران و بیدگل دوباره احیا شده است. امید است بتوانیم در پژوهش حاضر، این مراسم آیینی و کهن را به هنر دوستان معرفی کنیم و سبب آشنایی همگان با این آداب و رسوم شویم.

واژه‌های کلیدی: آیین عروسی، نمایش اسب چوبی، اسب.

۱. کارشناسی ارشد سینما، دانشگاه هنر تهران (نویسنده مسئول)

* msajjadib@yahoo.com

۱. مقدمه

آیین‌های عروسی قدمتی به اندازه تاریخ بشریت دارند که نمودی از جهان‌بینی مردمان و آداب و رسوم و شرایط زیستی آنان دارد. مردمان این سرزمین به‌دلیل تاخت و تاز دشمنان همیشه در معرض خطر بوده‌اند. آن‌ها این روحیه جنگاوری و آمادگی دفاع از وطن خود را همه جا و در همه شرایط حفظ کرده‌اند. اسب چوبی نمایشی ترکیبی است از فردی که بر اسب چوبی سوار است. نیم‌تنه مرد، سر و بدن اسب به شکلی با هم ادغام می‌شوند که گویی مرد بر اسب سوار است. رسم اسب چوبی از رسوم ویژه‌ای است که در معدود روستاهای حاشیه کویر مرکزی و دیگر مناطق کشور از جمله سبزوار، نیشابور، سمنان و... اجرا می‌شود. روستای حسین‌آباد کویر از توابع آران و بیدگل - که این سنت در آن برگزار می‌شود - منطقه‌ای است که تا چند دهه پیش قلعه-نشین بوده است و این نشان از زندگی خانواده‌ها و افراد در یک نقطه و تعامل آن‌ها و همچنین نشان از در معرض خطر و حمله اجانب و دزدان دارد که گاه و بیگاه به این مردمان حاشیه کویر حمله می‌کردنند. لذا این مردم چه از لحاظ معماری و چه از لحاظ آمادگی جسمانی، همیشه باید آماده مواجهه با آن‌ها باشند. لذا در موقع شادی نیز آن‌ها آمادگی خود را می‌آزمایند و روحیه جنگاوری خود را حفظ می‌کنند و همچنین به دختران و پسران جوان نیز آموزش می‌دهند. حیوان محبوب و همپای مردم کویر شتر است؛ اما در این مراسم اسب به کار گرفته می‌شود. اسب از لحاظ اسطوره‌ای همیشه در تاریخ و فرهنگ این کشور جایگاه ویژه‌ای داشته است. همچنین اسب در رزمگاه‌ها همیشه یار و یاور جنگاوران بوده است. در برخی منابع از این آیین به عنوان یک بازی یاد شده است. در ادامه رسم آیینی اسب چوبی، جایگاه عروسی و اسب در اسطوره‌ها و ادبیات، وجه نمایشی آن، ساخت عروسک و آداب مراسم و پیشینه این آیین به طور جداگانه بررسی می‌شود.

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌شود. شیوه دست‌یابی به اطلاعات در این پژوهش کتابخانه‌ای و میدانی است. میدان تحقیق در این موضوع، روستای حسین‌آباد آران و بیدگل است.

۲. پیشینهٔ پژوهش

در مورد موضوع حاضر، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است؛ اما در جنبه‌های دیگر این آیین، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. اندیشهٔ قدیریان و محمود رضا سلیمانی در پژوهشنامهٔ خراسان بزرگ (سال دوم، شمارهٔ ۷۰) در پژوهشی با عنوان «نمایش آیینی اسب چوبی، نماد پایداری و وحدت مردم خراسان» از زاویهٔ دیگر به این موضوع پرداخته‌اند.

منیزه مقصودی و موسی‌الرضا غربی در کتاب مجموعه‌مقالات انسان‌شناسی هنر (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «مراسم آیینی اسب چوبی»، به معرفی کلی این آیین پرداخته‌اند. مجید عسکری و همکاران در مجموعه‌مقالات همایش علمی کنگره بین‌المللی سربداران در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل آیین نمادین اسب چوبی، آیینی بزمی و رزمی در نهضت سربداران» به ارتباط این آیین با نهضت سربداران پرداخته‌اند. بهار مختاریان و تهمینه واعظ شوستری در نشریهٔ پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ساختاری آیین‌های اسب چوبی و کوسه‌برنشین در ایران و پیوند آن با آیین‌های فرهنگ هندواروپایی» به معرفی این دو آیین و مقایسهٔ آن با آیین‌های هندواروپایی پرداخته‌اند.

در چند کتاب دیگر نیز به معرفی کلی این آیین پرداخته شده است؛ مانند پوپک عظیم‌پور تبریزی در کتابی با عنوان فرهنگ عروسک‌ها و نمایش‌های عروسکی آیینی و ستی ایران در بخش معرفی نمایش‌های آیینی به معرفی کوتاه این آیین پرداخته است. اگرچه در این پژوهش‌ها به معرفی کلی این آیین پرداخته شده و یا از جنبه‌های دیگر به این آیین نگاهی گذرا شده است؛ اما پژوهش حاضر کاری نو است.

۳. چارچوب نظری

۳-۱. معرفی روستای حسین‌آباد آران و بیدگل

روستای حسین‌آباد از توابع بخش کویرات شهرستان آران و بیدگل در شمال استان اصفهان است. این روستا در دهستان کویر قرار دارد و بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت آن ۱۶۸۶ نفر است. این روستا در حاشیهٔ کویر مرکزی ایران قرار دارد و شغل

بیشتر مردمان این دیار کشاورزی است. این ناحیه تا چندی پیش قلعه‌نشین و همیشه در معرض حمله دزدان و راهزنان بوده است. آیین اسب چوبی در گذشته در تمام مراسمات جشن و شادی این منطقه کاربرد داشته؛ اما در اثر گذشت زمان به فراموشی سپرده شده است. اخیراً با تلاش مردم این ناحیه، دوباره در مراسم عروسی این آیین را اجرا می‌کنند و سعی در احیای آن دارند.

۲-۳. آداب و شیوه برگزاری مراسم

«آیین نمایشی اسب چوبی، نمایشی مردمی است که در برخی نقاط ایران از جمله سبزوار، گیلان، سمنان، هرمزگان و سیستان برگزار می‌شود» (مقصودی و غربی، ۱۳۹۲: ۱۶۴). این مراسم معمولاً در آیین‌های شادی و در مناطق مختلف به صورت گوناگون اجرا می‌شود؛ اما اجرای کلی آن در مناطق مختلف تقریباً مشابه هم است.

محمود بیهقی در *دائرة المعارف بزرگ سبزوار چنین می‌گوید:*

اسب چوبی عبارت است از چوب‌هایی که به شکل کره اسی درست می‌کنند و دست‌های آن پای اجراکننده می‌باشد و دو پا هم بعد از آن بر روی آن پارچه‌های محملی رنگارنگ و مجری هم لباسی در همان زمینه به تن دارد و سر را پوشانده (البته در زمان قدیم صورت را هم آرایش می‌کردند). او با شمشیری که در دست همچون جنگاوری که با اسب به دشمن حمله کند؛ زیرا که معتقدند نمادی از مغول می‌باشد که سربداران با چوب و... با او می‌جنگند.... با نواختن دهل و سورنا «سونتای به گوش» به جولان می‌افتد و دیگران هم با دست زدن هلله‌کنان مجلس را رونق می‌بخشند (بیهقی، ۱۳۸۶).

بازیگر در میان قلبر (اسب چوبی) قرار می‌گیرد و با حرکات پا و فریاد همراه با سازها و آواهای محلی نقش‌آفرینی می‌کند. او با حرکات دست، پا و شور گرفتن در میان جمعیت حرکت می‌کند. مرد سواره صورت خود را نیز می‌پوشاند تا نمایش طبیعی‌تر جلوه کند. در نمایش اسب چوبی گاه دو سوار یا پیادگانی چوب در دست، با اسب چوبی به چوب بازی می‌پردازند؛ اما معمولاً چند پیاده با چوب به صورت نمادین با یکدیگر نبرد می‌کنند که حاکی از آمادگی جسمانی آن‌ها و تمرينی برای افزایش آمادگی جسمانی است. آن‌ها با این عمل، علاوه بر آمادگی برای رزم، نبرد را به دیگران هم

آموزش می‌دهند. در ضمن آن‌ها برای هر حمله به کاروان عروسی آمادگی خود را به رخ می‌کشنند. این نبرد دونفره با جدیت برگزار می‌شود. همچنین آن‌ها با چنان مهارتی به یکدیگر ضربه می‌زنند که هیچ یک آسیبی نمی‌بینند. صحنه، صحنه رزم است. چوب امروز شمشیر فرداست. یادآور این بیت مولوی است که:

غازی به دست پور خود شمشیر چوبین می‌دهد تا او در آن اوستا شود. در روز غزا سواره نیز به همراه عروس و داماد به راه می‌افتد و مردم نظاره‌گر آن هستند. در روستای حسین‌آباد، در مراسم عروسی، اسب در وسط قلعه، بازی می‌کند. جمعیت دور تا دور اسب می‌ایستند، اسب‌سوار در میانه مردم بازی و نمایش اجرا می‌کند. سواره نیز با بالا و پایین کردن اسب نوعی جوش و خروش و هیجان به بیننده منتقل می‌کند. سواره همچنین دستمالی در دست دارد که آن را تکان می‌دهد و با آن به شادی می‌بردازد. همچنین برای ایجاد توازن در حرکت اسب چوبی از سازهای کوبه‌ای مانند دهل هم استفاده می‌شود. محمد رضا درویش در کتاب از میان سرودها و سکوت‌ها درباره اسب چوبی می‌نویسد:

وجوه مشترک تمام این اجراهای حضور نوازندگان سرنا و دهل، رقصنده و یا چوب‌باز، شمشیر به دست داخل اسب چوبی می‌باشد. اسب چوبی که با پارچه‌های الوان و رنگین پوشیده شده و تزیین شده است. در برخی از اجراهای یک غلام سیاه با ظاهر و حرکاتی مضحك حضور دارد و در برخی دیگر تعدادی رقصنده یا چوب‌باز، گردآگرد اسب چوبی با او چوب‌بازی می‌کنند (درویشی، ۱۳۸۰) :

موسیقی در این آیین نقش مهمی دارد. نمایش اسب چوبی با استفاده از موسیقی فولکلور به‌شکل موزیکال و معمولاً همراه با دهل و سرنا اجرا می‌شده است. آوای دهل و سرنا ضرب‌باهنگ جنگ و رزم بوده است. از سویی چوب‌بازی و از سوی دیگر آوای دهل و سرنا از سواران اسب چوبی، جنگ‌کاران راستینی پدید می‌آورد. در مناطق دیگر گاهی اسب چوبی نماد مغول و چوب‌بازها نماد روستاییان و مردم هستند که با او به جنگ می‌پردازند و درنهایت پیروز می‌شوند.

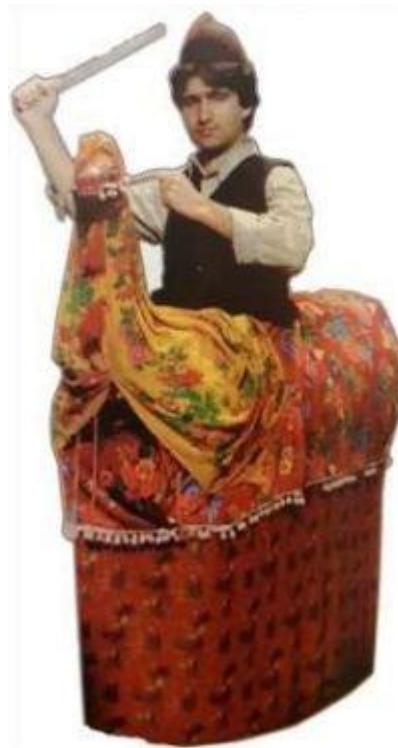
به‌طور کلی می‌توان اجرای این نوع نمایش در مراسم عروسی را به صورت اسب چوبی رزمی و اسب چوبی بزمی دسته‌بندی کرد. اسب چوبی در مناطق خراسان، مرکز،

شمال و جنوب ایران جزو آیین‌های حماسی بوده و همراه با سرنا و دهل اجرا می‌شده است. در حال حاضر بیشتر در قسمت‌های شمالی خراسان اجرا می‌شود. در بعضی مناطق اسب چوبی در جدالی نابرابر و با نمایشی نمادین، شمشیربازانی را که همچون او (مرد سوار اسب چوبی) در حال رقص‌اند در درگیری نمادین شکست می‌دهد.

نمایش اسب چوبی نوعی از نمایش خیابانی است با این تفاوت که این نمایش بیشتر در عروسی‌ها و مراسم‌های خاص اجرا می‌شود. زمانی که عروسی بر پا می‌شود برای تنوع بخشیدن به عروسی و جلوگیری از یکنواختی آن و به منظور ایجاد روحیه دشمن‌ستیزی، نمایش اسب چوبی اجرا می‌شود. در هنگام انجام نمایش اسب چوبی خانواده داماد و گاهی خانواده عروس به فراغت خود هنرمندان را شاوش (شاد باش) می‌کنند. اجرای نمایش اسب چوبی معمولاً شب‌ها انجام می‌شود؛ اما در برخی اوقات در پیش از ظهر هم اجرا می‌شده است.

نمایش اسب چوبی آمادگی برای دفاع و تمرین رزم است، برانگیختن حس جنگجویی است، تکرار و یادآوری رزم سرداران و پهلوانان و قهرمانان دیروز است که ملک و دیاری را سربلند نگه داشتند. در گذشته خانواده‌ها از طریق برپایی این آیین نمایشی نه تنها پسران بلکه دختران خود را برای رزم آماده می‌کردند و زنان و دخترانی که در کنار مردان به تماشای این نمایش می‌نشستند، خوی دشمن‌ناهاری در وجودشان زنده می‌شده است.

کلیم‌اله توحدی برای نمایش اسب چوبی کارکرد حماسی و دفاعی ترسیم می‌کند که چگونه کاروان عروس دچار حمله راهزنان می‌شود و سواران حتی عروس کاروان دست به چوب یا همان شمشیر می‌برند و به جنگ راهزنان می‌شتابند و در وسط میدان، کاروانیان اسب چوبی، با هم به نبرد می‌پردازند و با شکست راهزنان شادی و شادمانی و شعف در میان تماشاچیان دوچندان می‌شود.



تصویر ۱: اسب چوبی منبع (عظیم‌پور، ۱۳۸۹: ۴۶)

۳-۳. ساخت عروسک

اسب چوبی از اجزای مختلفی تشکیل می‌شود. ابتدا به تنها توصیف ساخت این عروسک که در کاشان بیشتر اجرا می‌شده است، اشاره می‌شود و سپس به ساخت این عروسک به‌طور کلی پرداخته می‌شود. هوشنسگ جاوید در شرح توصیفی آن، چنین

می‌گوید:

برای بازی ابتدا پارچه‌های کهنه را به دور چوبی در حدود نیم متر به گونه‌ای می‌پیچیدند که شکل کله‌اسب پیدا کند. سپس با سوراخ کردن بدنه دو غربال آن‌ها را با طناب به دو چوب وصل می‌کردند به گونه‌ای که غربال‌ها سینه و کپل اسب را بنمایاند. به این ترتیب اسکلت اسب آماده می‌شد؛ بعد دو طناب از آن طوری عبور

می دادند تا بدن در حالت آویزان بر شانه ها حمل شود و سپس با پارچه چادرنمازی علاوه بر آنکه چوب ها را می پیچیدند، برای بازیگر لباس فراهم می کردند، پیچیدن چوب ها با پارچه بدین دلیل بود که بدن اسب سوار در اثر اصابت به لبه های چوب زخمی نشود، وقتی فرد لباس بر تن می کرد آرایش نهایی اسب با پارچه های رنگی انجام می شد. در ناحیه گوش ها زنگوله می آویختند و بازیگر در انگشتانش سنجک برنجی فرو می برد و با زنگوله های تزیینی آرایش بدن تکمیل می شد؛ از پارچه سیاه برای اسب ڈم درست می کردند. وقتی بازیگر در زیر چادر قرار می گرفت فقط چشم هایش دیده می شد و هیچ کس نمی توانست چهره او را ببیند. اسب که به طور کامل آماده می شد نوازنده ضربه‌انگ تندی اجرا می کرد که حکم خبر داشت. سپس بازیگر شبیه کشان، دقیقاً منطبق با صدای اسب، به محوطه می دوید و با ضربه‌انگ های گوناگون حالات مختلف راه رفتن اسب را می نمایاند و گاه حرکات طنزی نظیر لنگیدن اسب، رمیدن و شیطنت با تماساگران را به مجموع حرکات اضافه می نمود که موجب ایجاد لحظات شادی می شد؛ این بازی را اکثراً در شب های چله تابستان و یا در فصل بهار انجام می دادند (جاوید، ۱۳۸۱: ۱۷۹-۱۸۱).

اجزای اصلی اسب چوبی از دو مستطیل و دو دایره که محیط بر مستطیل است، تشکیل می شود؛ یک دایره آن که در اصطلاح محلی به آن «قلبر» گفته می شود و بازیگر در آن قرار می گیرد و نیز دو بند که به اسب وصل می شود و آن را بر شانه بازیگر قرار می دهد. قسمت اسب نیز از دو بخش عمده شامل تنه (بدن اسب) و قطعه سر تشکیل می شود که توسط کمر بندی تسمه ای به هم متصل می شوند و در نهایت بر دوش سوار کار قرار می گیرند. در اطراف فضای مستطیل پارچه ای قرار دارد که تا روی پای بازیگر کشیده و مانع از دیدن پای او می شود. سر اسب معمولاً پارچه ای و دیگر اجزای آن چوبی است. همانطور که گفته شد بازیگر در میان قلب قرار می گیرد و با حرکات پا و فریاد همراه با سازها و آواهای محلی اجرای این آیین را انجام می دهد. بدن اسب چوبی از اسکلتی شامل چار چوب موازی به صورت دو چوب سمت راست و دو چوب سمت چپ تشکیل می شود که انتهای دو سمت آن به وسیله دایره های چوبی که همان قلب است، به هم متصل می شوند.

پارچه‌ها به رنگ‌های مختلف شامل قرمز و سبز بخش عمدۀ اسب چوبی هستند که بدن اسب چوبی را دربرمی‌گیرند؛ معمولاً پارچه‌ها به سلیقه افراد انتخاب می‌شود. بیشتر پارچه‌ها برای پوشاندن چوب‌هاست تا اثرگذاری نمایش در دید بینندگان کم نشود. درنهایت، دم اسب چوبی است که باید از فلزی قابل ارتجاج ساخته شود. همچنین باید گفت، مراحل ساخت یک اسب چوبی، بالغ بر ده روز زمان می‌برد. با قرار گرفتن فرد در درون اسب چوبی دو بند که به چوب‌هایی اسب وصل شده‌اند بر روی شانه‌های بازیگر قرار می‌گیرند تا هنرمند در هنگام چوب‌بازی بتواند به ایفای نقش پردازد.

۳-۴. وجه نمایشی آین اسب چوبی

اجرای نمایش و به کار گرفتن هنر برای بیان کردن خاطره رشادت‌ها و دلیرمردی‌ها و گفتن دردها و مشکلات و معضلات جامعه تأثیر عمیق تری دارد؛ زیرا توانایی‌ها و درک بشر از راه قوه بصری لذت‌بخش و نتیجه‌بخش‌تر از سایر کارهای هنری است.

در نمایشی که تماشاگران خود را با بازیگران در مکانی واحد رو به رو می‌بینند، و بازیگران که شخصاً حضور دارند، می‌توانند در قبال واکنش‌هایی که برانگیخته‌اند، واکنش کنند. جامعه‌ای که جماعتی انسانی به خود معرفتی خارقالعاده، می‌یابند. نه فقط بدین سبب که بازیگران، آینه‌داران شیوه زندگی و چون و چراکردن‌های آن جامعه‌اند؛ بلکه از این رو که تماشاگران واکنش‌ها و قبول یا رد و موافقت یا انکار خویش را در قبال تصویری که از وی به وی می‌نمایانند، ابراز می‌دارند. بدین جهت نمایش‌های مختلف نقشی بس عمدۀ در فهم و ادراک تصویر سرزمهینی و جامعه‌ای و فرهنگش و هویت و خصوصیتش دارد، شاید بیش از هر نقد حال دیگر آن جامعه (ستاری، ۱۳۷۴: ۹).

ادبیات نمایشی که در تاریخ و فرهنگ و هنر این مرز و بوم ریشه دارد، توانسته است در کنار دیگر آثار هنری ذهن و زبان بیننده را با نمایش اسب چوبی تسخیر کند و با جلوه‌های گوناگونی که دارد تأثیر بسیاری بر بیننده بگذارد؛ زیرا

نمایش یکی از نخستین فعالیت‌های انسانی و از جمله پایدارترین و شاید هم برترین آن‌هاست، حقیقی‌ترین و ثمر بخش‌ترین قدرت خلاقه انسانی از طریق نمایش به منصه ظهور می‌رسد. نمایش‌های سنتی تنها زبان و بیان یک قوم و یک

ملت نیست، بلکه حقیقی‌ترین و زندگانی‌ترین گواهی تمدن است، و در جهان تنها داد و ستد آزاد، یعنی داد و ستد احساسات و اندیشه هاست (ستاری، ۱۳۷۴: ۹).

اسب چوبی که کارکردی حماسی و دفاعی دارد، نمادی از ستم‌ستیزی نبرد با دشمنان است. «مطالعه در فرهنگ اقوام و آیین‌ها و نمایش‌های آن‌ها آشکار می‌کند که با گذشت زمان آیین‌ها، آوازها و مراسم نمایشی به مضامین و منظورهای متفاوت و مشخصی تفکیک و تجزیه شدن» (نصری اشرفی، ۱۳۸۳، ۳۱۸/۱).

در نمایش اسب چوبی گاه دو سوار یا پیادگانی چوب در دست، با اسب چوبی به چوب‌بازی می‌پردازند که صحنه، ترسیمی از صحنه رزم است. همچنین وجود موسیقی فولکلور به‌شکل موزیکال و معمولاً با همراهی دهل و سرنا، ضرب‌باهنگ جنگ و رزم را به‌یاد می‌آورد.

۳-۵. اسب در اسطوره‌ها و آیین‌ها

اسب همیشه در جوامع مختلف، از جمله ایران و یونان بسیار مهم است و لذا در اسطوره‌های این دو سرزمین نقش مهمی دارد. در اسطوره‌های یونان، اتنا، نخستین کسی است که توانست اسب‌ها را رام کند تا انسان‌ها بتوانند بر آن سوار شوند. همچنین بر اساس اساطیر یونان، پوزئیدون اسب را آفرید و او را مختروع سوارکاری نیز می‌دانند. در یونان، سانتورها، غول‌هایی هستند که سر و دست و بالاتنه انسانی داشتند؛ اما پایین‌تنه آن‌ها به‌سان اسب بود. این موجودات دارای چنان خرد و اندیشه‌ای هستند که از انسان عادی پیشی گرفتند و پگاسوس، موجود افسانه‌ای که در کوه المپ ماندگار شد، یک اسب بالدار سفید است. این موجود در تمثیلات دوره رنسانس، نماد شهرت شد؛ اما اسب حیوانی است که در بیشتر اساطیر به هوش و فراست معروف است.

هندواروپایان نخستین قومی بودند که اسب را اهلی کردند و توسط ایرانیان نیز این جانور به سرزمین بابل و مصر راه یافت. مرکز اصلی پرورش اسب، کوههای تیانشان در ترکستان شرقی بود و اسب گردونه نیز از این‌جا به چین راه یافت. اسب عربی که به‌خوبی معروف است، به نظر برخی همان اسب ایرانی است. در کتاب مقدس نیز آمده است که اسبی آتشین و اрабه‌ای آتشین، «ایلیا» را به آسمان بردن. تهمورث هم زمین را بر پشت اهربیمن که به صورت اسبی درآمده بود، درهم

نوردید. در چشم ایرانیان رزم‌آور، داشتن اسب و گردونه، نشانه اشرافیت و امتیاز به شمار می‌آمده است (دادور و میینی، ۱۳۸۸: ۵۴).

اسب در فرهنگ اقوام هندواروپایی، نشانهٔ ویژهٔ ایزد افتتاب (خورشید)، ایزد ماه و ایزد باد، بوده است. تیشرت فرشته و ایزد باران، برای دست‌یابی به آب‌های بارور، در پیکر اسبی سپید با گوش‌هایی زرین و لگام زرین درآمد و با اپوش دیو، دیو خشکسالی، که او نیز به صورت اسب سیاهی درآمده بود، جنگید. ابتدا شکست خورد؛ اما درنهایت او را شکست داد. او به‌وسیلهٔ ابر و باران، آب را در همهٔ زمین پخش کرد. در اساطیر ایران، درواسپ به معنی «دارندهٔ اسب تندرست»، از ایزدان حامی چهارپایان و به‌خصوص اسبان است. بهرام (ایزد جنگ) در سومین تجلی و ویشنو در دهمین تجلی خود، به صورت اسب سفید و زیبا ظهر خواهند کرد. از لحاظ طرح کلی معماری، شهر شوستر به شکل «اسب» ساخته شده است.

نام بسیاری از بزرگان اساطیری ایران با نام اسب پیوند خورده است: گرشاسب (دارندهٔ اسب لاغر)، ارجاسب (دارندهٔ اسب ارجمند)، لهراسب (دارندهٔ اسب تیزرو)، گشتاسب (دارندهٔ اسب آماده)، تهماسب (دارندهٔ اسب زورمند و فربه)، هوسب (دارندهٔ اسب خوب)، بیوراسب (دارندهٔ ده هزاراسب)، شیداسب (دارندهٔ اسب درخشان) و سیاوش (دارندهٔ اسب سیاه). در فرهنگ ایران و قسمت‌هایی از جهان «اسب سفید» نشان بی‌گناهی و خلوص و خرد و مرکب خورشید و نشان نجابت خانوادگی است. اسب سفید طلایی در اساطیر ایران شکلی از تیشرت (ایزد آب یا فرشته باران) و نشانهٔ مردی و نیرومندی است. اسب تک‌شاخ نیز در افسانه‌ها مربوط به یک دوشیزهٔ باکره است و تنها دوشیزگان می‌توانستند آن را بگیرند. شاخ آن همهٔ چیز را تطهیر می‌کرد. تک‌شاخ همچنین نماد طول عمر و شادی و امید داشتن خانواده‌ای پرفرزند است.

در فرهنگ و اسطوره‌های ایرانی و سایر ملل، اسب اهمیت ویژه‌ای دارد و پس از گاو مهم‌ترین حیوان به شمار می‌آید. اهمیت این حیوان باعث شد که این حیوان در فرهنگ و آیین‌های این سرزمین نفوذ کند و این حیوان همیشه عضو ثابت آیین‌های این سرزمین باشد. حضور این حیوان در آیین اسب چوبی کاملاً نمادین است.

۳-۶. بازتاب اسب در ادبیات فارسی

اسب در ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی جایگاهی ویژه دارد. باورهای قومی و اساطیری فراوانی در مورد اسب در میان ملل رایج است، و سبب شده تا معانی سمبولیک فراوان از قبیل آزادی، اندام زیبا، انرژی خورشید، بخشندگی، پایداری، حس شنوایی، خیرخواهی، دانش زمانی، سپاسگزاری، پیروزی، قدردانی، سرعت، فهمیدگی و فراتست، نیرومندی، هوش، خیرهسری، سرسختی و غرور در هنر و اندیشه‌ادبی و فرهنگی تبلور یابد. در متون اوستا و ادبیات باستانی ایران از اسب به نیکی یاد شده است.

در اسطوره‌ها و مراسم دینی بسیاری از تمدن‌ها نیز، اسب مقامی شامخ دارد، و در وهله اول، نماد خورشید بود و گردونه او را می‌کشید و برای خدایان خورشید، قربانی می‌شد، آن را با خدایان دریا مربوط می‌دانستند. با توجه به اسطوره‌های آفرینش، اسب به مفهوم هستی (در برخی موارد اصلاً به صورت «است» آمده) ستاره‌ای از ستارگان رونده، قوس یا برج نهم سال، یکی از مظاهر تجلی و ظهور عالم امکان، فرشته گردونه‌کش خورشید که هر روز از بام تا شام خورشید را راهبر است و .. به صورت اسب تجسم یافته است (دادور و منصوری، ۱۳۹۰: ۶۸).

اسب امروز همان نامی را دارد که هزاران سال پیش نزد ایرانیان داشته است. اسب از ریشه «اس» به معنی دونده و تیزتك است؛ زیرا اسب تیزتکترین جانور اهلی است. در اوستا، به صورت «آسپ» و در سانسکریت «آسو» خوانده شده است. شاعران، عارفان، نکته‌پردازان و خردمندان، پادشاهان و امیران، دهقانان و کارورزان ایرانی و دین‌آوران بزرگ آن را مظهر خوشبختی و رستگاری و فراتست و تیزهوشی دانسته‌اند. عارفان بزرگ ایرانی در ادبیات سمبولیک، این مرکب ستارگ را معراجی، آسمان‌پیما و عرش‌نورد دانسته، به عنوان شریف‌ترین وسیله برای عروج شایسته‌ترین انسان، پیغمبر اکرم^(ص)، به سوی بی‌سویی و لامکان و لایتنه‌ی توصیف کرده‌اند.

شاعران ایرانی در دیوان‌های خود به صورتی ستایش‌انگیز از این حیوان اصیل یاد کرده‌اند. در ادبیات غنایی و حماسی اسب، به نژادگی، نجابت و خوهای پسندیده توصیف شده است. همچنین در ادبیات بزمی و غنایی، اسب پایه و مایه پیوند دلدادگان و شیفتگان و نشانه به سر آمدن دوران جدایی و ملال است. اسب در ادبیات ایرانی به این نام‌ها خوانده شده است: باره، بارگی، نوند، فرس، بارگیر، شولک،

ابوطالب، ابو منقد، ابوالمضمار، ابوالاختطل، ابوعمار، خیل و غیره. همچنین اسب بنا به بزرگی و کوچکی و ویژگی‌های رفتاری و رنگ‌های آن نیز دارای نام‌های متفاوت است. بیشترین کاربرد اسب در ادبیات به شاهنامه فردوسی مربوط می‌شود. اسب در شاهنامه عامل پیروزی‌ها و پیشرفت‌ها و وسیله‌ای است که اگر سواری لایق و کارآمد داشته باشد یاری بزرگ برای پهلوانان و دلاوران است و سواران بدان می‌بالند. اوصاف اسب در شاهنامه بسیار مفصل است.

در شاهنامه، اسب‌های گوناگون به صفات و امتیازاتی موصوفند، مثلاً اسب خاندان گشتاسب سیاه است، اسب بیدرفش که بعد از کشته شدن او به دست بستور افتاد و نیز اسب سیاوش هم سیاه توصیف شده است و چنان که گذشت اصلاً سیاوش به معنی «دارنده اسب سیاه» است. توصیف فردوسی از این اسب سیاه، یادآور اسب معروف خسروپرویز است که در اثر سیاهی به شبیدیز معروف شد (یاحقی، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

اسب در ادبیات ملی و میهنی و بهخصوص در حمامه‌ها – که بازتاب فرهنگ و اعتقادات و آداب و رسوم مردم آن ناحیه‌ای است که در آن شکل می‌گیرد – با وظایفی خاص و مهم حضور دارد. از آن جمله شاهنامه فردوسی است که اسب و تصویرهای مربوط به آن به طور گسترده دیده می‌شود. اینک ببینیم که چرا اسب، این همه مورد توجه واقع شده و چرا اسم فرشته حافظ جانوران مفید در اوستا از کلمه گاو مشتق شده است، دلیلش بسیار واضح است؛ زیرا اسب حیوانی است متفاوت با سایر حیوانات و قرن‌ها به عنوان مرکوب، محمول و مظروف اقوام چادرنشین مطرح بوده است. در حقیقت، اسب در نزد اقوام و ملل قدیم به عنوان یک حیوان استراتیک مطرح بوده که همواره در جنگ‌ها و سوارکاری و خبرسانی‌ها مورد اهمیت و استفاده بوده است، بنابراین سرنوشتی جدایی‌ناپذیر از سرنوشت انسان دارد.

۷-۳. منشأ آیین عروسی در اسطوره‌ها

انسان عصر باستان هرآنچه سالانه در تصویر طبیعت می‌دید؛ از جمله زردی و خشکی، مرگ، باروری و زندگی و حیات مجدد، به اشکال مختلف در زندگی و آداب و رسوم خود به کار می‌برد و به نوعی از طبیعت تقلید می‌کرد. این جریان مرگ و زندگی، در

فرهنگ مردمان این سرزمین جنبه‌ای اسطوره‌ای پیدا کرده و نمودش به اشكال مختلف داستانی و اسطوره‌ای ظاهر شده است. «استوره بیانی مستقیم و فلسفی است که ورای علم است و در ساختار و شمایل یک روایت یا نماد ظاهر می‌شود و برشی از واقعیت را نشان می‌دهد» (امامی، ۱۳۸۵: ۱۹۰). به باور انسان کهنه، تجدید حیات با تقلید آیینی کهنه‌گوی ازدواج مقدس ممکن بوده است. اسطوره مرگ و حیات مجدد در بسیاری از روایت‌های کهنه دیگر تکرار می‌شود، مانند یوسف از چاه در می‌آید و عزیز مصر می‌شود، نجات منیزه از چاه و.... .

در داستان‌های راما و سیتا در هند، تموزی و ایستر در بین‌النهرین، آفرودیت و آدونیس در فینیقیه، ازیریس و ایزیس در مصر، مرگ، شهادت، به آتش فرو رفتن، تبعید شدن یا به زندان تاریک در افتادن، نماد پنهان شدن و از هستی رهیدن دانه شده است و بازگشت از جهان مردگان، از آتش رهیدن، از تبعید و زندان رها شدن و به فرمانروایی و قدرت رسیدن، جانشین باز روییدن دانه شده است.

آیین‌های عروسی که پیشینه‌ای به اندازه تاریخ بشریت دارد، نمودی عینی از جهان‌بینی مردمان و شرایط زیستی آنان بوده است و همواره پیوستگی دقیقی با وجوده بنیانی زندگی انسانی داشته است. رسم اسب چوبی از آیین‌های ویژه مراسم شادی و جشن بوده که در مراسم عروسی به صورت نمادین و آینی در معدد روستاهای حاشیه کویر برگزار می‌شده است. در اینجا اسب نقش محوری دارد و این حیوان، موجود دلخواه مردم حاشیه کویر نیست. آز آنجایی که شتر حیوان محبوب مردمان کویر بوده، پس وجود اسب در این آیین جای بحث دارد. در اساطیر همان‌گونه که گفته شد اسب اهمیت ویژه‌ای داشته است و در اسطوره‌های ایرانی سیاوش به معنی دارنده اسب سیاه، برای اثبات بی‌گناهی خویش از دو کوهه آتش گذشت. سرانجام سیاوش به فرمان افراسیاب کشته می‌شود. از خون سیاوش گیاهی به نام «خون سیاوشان یا پرسیاوشان» می‌روید. سیاوش به عنوان نماد یا خدای نباتی در اساطیر مطرح و به تموز بابلی و اوزیریس مصری و ادونیس فینیقی و یونانی شبیه می‌شود. افسانه همه این داستان‌های اسطوره‌ای کنایه از مرگ و زندگی است. پس اسب در این آیین به علت وجود آن در اساطیر این سرزمین، مانند دیگر آیین‌ها، نقش پررنگ دارد.

با توجه به مباحث مطرح شده در بالا انتخاب اسب به عنوان حیوان شرکت‌کننده در این آیین جنبه نمادین و اسطوره‌ای داشته است و این مسئله از شرایط زیستی این مردمان به دور بوده است. آیین عروسی از رسوم اولیه جوامع نخستین بوده و این آیین با توجه به آن مرگ و حیات مجدد در طبیعت که آن نیز در اسطوره‌های باستان ریشه داشته، شکل گرفته است. پس یک آیین اسطوره‌ای و باستانی، حضور یک حیوان اسطوره‌ای را می‌طلبد که حضور اسب در این آیین را منطقی جلوه می‌دهد.

۳-۸. پیشینه و منشأ آیین اسب چوبی

در مورد قدمت نمایش اسب چوبی نظرات متفاوتی وجود دارد. بسیاری همچون آقا گل پنق، مورخ گلستانی، قدمت آن را مربوط به یکصد سال پس از حمله مغولان می‌دانند و برخی دیگر پیشینه آن را به دوران رواج نمایش‌های بومی محلی در زمان قاجار متسب می‌دانند. محمد رضا درویش درباره منشأ اسب چوبی می‌نویسد: «منشأ این نمایش اگر چه در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. مسلم است که در اصل جنبه آیینی داشته و به مرور پیرایه‌هایی بر آن افروده شد و فرم‌های متنوعی از آن استخراج شده است. شخصیت این نمایش نمادین هستند و دارای جنبه‌های قوی حماسی و اسطوره‌ای» (درویشی، ۱۳۸۰: ۱۵۸).

آیین اسب چوبی یک مراسم نمادین است که پیشینه آن به مغول‌ها و شاید پیش‌تر بر می‌گردد. چند علت برای پیدایش این مراسم و نحوه اجرای آن وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم. در زمان حکومت مغولان که اجازه آموزش‌های رزمی و تمرین منش‌های پهلوانی به جوانان داده نمی‌شد تنها راه این آموزش از طریق رقص‌ها بود. سواره و پیاده نیز با این حرکت‌ها هم روحیه جنگاوری خود را حفظ می‌کردند و هم به نوعی آن را به دیگران آموزش می‌دادند.

نمایش اسب چوبی نتیجه عینی و معمولی با استفاده از بازی‌ها، آداب و رسوم، ورزش‌های بومی، سازها و نوع به کارگیری آنها در قالب یک نمایش پرتحرک و بدون کلام و در عین حال گویاست. اجرای این نمایش، هشداری است به تمامی آنانی که اهدافی پلید را علیه این مرز و بوم و مردم آزاده و مسلمان کشور ایران در

سر می پرورانند و سرنوشت متجاوزین به این آب و خاک به جز ذلت، خواری و بدپختی و نیستی نخواهد بود (کارگری، ۱۳۶۹ : ۲۷۱).

از طرفی بهدلیل آنکه مغلولان به حدی از گستاخی رسیده بودند که به صورت گروهی یا تکنفره به مراسم و جشن‌های عروسی حمله می‌کردند و با کشتن داماد، عروس را می‌ذدیدند، مردم این سرزمین برای آمادگی در مقابل چنین تجاوزاتی با برگزاری مراسمی همچون اسب چوبی، جنگیدن و نحوه مقابله با دشمن را تمرین می‌کردند. در این نوع مراسم اسب چوبی نمادی از یک تکسوار است که اگر تکسوار دوست باشد از آن استقبال می‌شود و اگر دشمن باشد توسط مردم از بین می‌رود. در سایر سرزمین‌ها نیز چنین مراسمی بربپا می‌شود.

در مراسم مختلف شمنی، میان اقوام زردپوست و سرخپوست و مراسم متفاوت زار در میان آفریقاییان و ساحل‌نشینان دریای عمان و خلیج فارس پیوسته یک نکته مدنظر قرار دارد که دفع نیروهای شر و جلب نظر نیروهای خیر اساس آن را تشکیل می‌دهد. در همین ارتباط عناصر متعدد و متفاوتی در باور افراد شکل گرفته و خلق می‌شوند. عناصری که به دو گروه مشخص قابل تفکیک‌اند. یک دسته از این نیروها در هیئت فرشته‌های مهربانی، رحمت و برکت تجلی می‌یابند و گروهی دیگر به صورت اهربیان شومی که مرگ و نابودی مردان و زنان قبیله تنها هدف و انگیزه آن‌هاست. نیروهای دادگر و خیر در مبارزه خود علیه خدایان بیدادگر و شرور به حمد و ثنا، ستایش و حمایت افراد قبیله نیازمندند. این حمایت از طریق آوازها، رقص‌ها و بازی‌ها و حرکات نمایشی و آیین‌های ویژه به عمل می‌آید (نصری اشرفی، ۱۳۸۳ : ۳۱۵ / ۱).

این آیین در تمرین رزم و حمامه و میهن‌دوستی ریشه دارد. کلاس در دسترس، درسِ جنگاوری، برای کودکانی بوده است که صحنه رزم را ندیده‌اند. اسب چوبی نمادی از ستم‌ستیزی و نبرد با دشمنان است.

با توجه به این مطلب و نوع این آیین که به صورت مراسم نمادین درگیری و جنگاوری اجرا می‌شود و با توجه به حمله‌های گاه و بی‌گاه مغلولان، این ادعا که پیشینه این مراسم به دوره مغول بر می‌گردد، تقویت می‌شود.
کلیم‌اله توحدی در معرفی اسب چوبی آورده است:

با نگاهی به اساطیر ایران و روم در یافته که نمایش «اسب چوبی» نیز مانند «تورغه» برگرفته از اشتراکات فرهنگی ایران و یونان و روم قدیم بوده و نمادی از اسب چوبی «ترووا» است که در حدود ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد در محل «دار دائل» در کشور کنونی ترکیه معروف به روم شرقی روی داد که چون کردهای ما در دوران باستان در نواحی مرزهای غربی کشور با رومیان هم مرز و در گیر جنگ و نبرد بوده‌اند این میراث فرهنگی را به ارت برده‌اند (توحدی، ۱۳۸۸: ۱).

اما باز هم سؤال دیگر از کجا معلوم که مبتکران نخستین این اسب چوبی کردها نبوده و یونانیان بوده‌اند و به نام آنها در تاریخ ثبت شده است! چون یونانیان اهل قرتاس و قلم بودند و تاریخ و افتخارات فرهنگی خویش را نوشته و ثبت و ضبط می‌کردند؛ ولی برعکس ایرانیان کمتر چیزی را به نام خود می‌نوشتند (همان).

اما در منابع معتبر دلیل قابل اتکایی که پیشینه این آیین را به یونان انتساب کند، یافت نشد و این موضوع بیشتر یک نظر شخصی است. همانطور که گفته شد اسب در اسطوره‌های یونان مانند اسطوره‌های ایران حیوان مهمی است و در این اساطیر نقش پررنگی دارد و این دو فرهنگ بر یکدیگر تأثیر متقابل داشته‌اند. پس می‌تواند در آیین اسب چوبی نیز تأثیر غیرمستقیم داشته باشد. درمجموع به دلیل قابل اتکا نبودن، انتساب پیشینه این آیین به یونان رد می‌شود و این آیین در فرهنگ و اساطیر ایرانی ریشه دارد.

۴. نتیجه

آیین اسب چوبی از مراسم آیینی مردم فلات مرکزی و خراسان است که به نوعی نماد پایداری و ذلت‌ناپدیری این مردمان است. با بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد که این آیین روشی برای تمرین آمادگی و آموزش جنگاوری است که در موقع منع جنگاوری توسط مردان جایگزین شده است. همچنین به دنبال نامنی‌ها و حملات غارتگران به مراسم عروسی، این آیین کارکرده دفاعی داشته است. برای علت اجرای این مراسم در آیین عروسی دو دلیل را می‌توان ذکر کرد: ۱. مقدس بودن و پر اهمیت بودن اسب در اسطوره و فرهنگ ایران باستان، ۲. نوعی دفاع در مقابل حملات احتمالی دشمن به مراسم و همچنین کسب نوعی مهارت در جنگاوری و القای این روحیه جنگاوری و آموزش دفاع در مقابل مهاجمان به دختران و پسران این سرزمه‌ن. وجود اسب در این

آین از اسطوره‌های این سرزمین گرفته شده است. همیشه اسب در اسطوره‌های این سرزمین و سایر ملل، موجودی مهم و قابل ستایش بوده، لذا در این آین از اسب استفاده شده است. منشأ این مراسم نیز به دلیل مقدس بودن اسب در اساطیر ایرانی به زمان‌های دور بر می‌گردد؛ زیرا ایرانیان در آین‌های خود همواره اسطوره‌های خود را گرامی می‌داشتند. اما با توجه به دلایل گفته شده، این آین به زمان مغولان و بعد از آن برای جلوگیری و مقابله با حملات احتمالی دشمنان برگزار می‌شده است.

منابع

- امامی، نصرالله (۱۳۸۵). مبانی روش‌های نقد ادبی. چ. ۳. تهران: جامی.
- بیهقی، محمود (۱۳۸۶). دایرةالمعارف بزرگ سبزوار. مشهد: سنبله.
- توحیدی، کلیم‌الله (۱۳۸۸). «معرفی نمایش‌های آینی». وبلاگ شخصی. tavahodi.blogfa.com
- جاوید، هوشنگ (۱۳۸۱). «نگرشی بر نمایش‌های آینی نواحی کاشان». تئاتر. ش ۳۱-۳۳. صص ۱۵۳-۲۲۴.
- داور، ابوالقاسم و مهتاب مبینی (۱۳۸۸). جانوران ترکیبی در هنر ایران باستان. چ. ۱. تهران: دانشگاه الزهرا.
- دادور، ابوالقاسم و الهام منصوری (۱۳۹۰). درآمدی بر اسطوره‌ها و نمادهای ایران و هند در عهد باستان. چ. ۲. تهران: دانشگاه الزهرا (س).
- درویشی، محمد رضا (۱۳۸۰). از میان سرودها و سکوت‌ها. چ. ۱. تهران: مؤسسه ماهور.
- ستاری، جلال (۱۳۷۴). نماد و نمایش (مجموعه مقالاتی از مارتین اسلین و دیگران). تهران: توسع.
- عظیم‌پور تبریزی، پوپک (۱۳۸۹). فرهنگ عروسک‌ها و نمایش‌های عروسکی آینی و سنتی ایران. تهران: نمایش.
- قدیریان، اندیشه و محمود رضا سلیمانی (۱۳۹۰). «نمایش آینی اسب چوبی، نماد پایداری و وحدت مردم خراسان». پژوهشنامه فرهنگ خراسان بزرگ. س. ۲. ش ۷۰. صص ۳-۸۰.
- کارگری، حسین (۱۳۶۹). «درباره اسب چوبی». تئاتر. چ ۹ و ۱۰. تهران: مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. صص ۲۶۸-۲۷۷.

- مقصودی، منیزه و موسی‌الرضا غربی (۱۳۹۲). «مراسم آیینی اسب چوبی». مجموعه مقالات انسان‌شناسی هنر. به کوشش بهار مختاریان و محمدرضا رهبری. اصفهان: حوزه هنری اصفهان.
- نصری اشرفی، جهانگیر (۱۳۸۳). نمایش و موسیقی در ایران. ج ۱. تهران: آرون.
- یاحقی، محمد جعفر (۱۳۹۱). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. ج ۴. تهران: فرهنگ معاصر.

Investigating theatrical ritual of “wooden horse “and its origin

Seyyed Mohsen Sajadi¹ *

1. M.Sc. student in cinema- Art University.

Received: 27/02/2019

Accepted: 18/05/2019

Abstract

Marriage and its rituals have always preoccupied the inhabitants of this country. The wooden horse is part of the ancient rituals practiced in some parts of the central plateau, including Khorasan during the marriage ceremony, but Sabzevar is one of the main centers for manifestation of this practice. This ritual has a symbolic function. In this research, various aspects of this ritual are discussed. What is the significance of the wedding ceremony and the presence of a horse in this ritual? In this research, which is descriptive-analytical, firstly, the author has focused on how to hold this ritual, the method of making doll and its components, the presentation of this ritual and the presence of horses in these rituals, the myths and the origin of the ritual of these myths. The next part is allocated to its context and source. The record of this ritual and the fact that the ceremony is gradually falling in oblivion-what necessitates the statement of problem. The ceremony is currently held in Khorasan, Hussein Abad, Aran and Bidgol.

Keywords: Wedding; wooden horse theatre; horse.

*Corresponding Author's E-mail: msajjadib@yahoo.com